

سوگ عظمی

نمایشگاه

مقام معظم رهبری (دام ظله):

این بزرگواران همواره مظلوم بودند و همچنان مظلوم هستند؛ به خاطر این‌که برای بسیاری از مسلمین، معارفشان شناخته نیست و راهشان مشخص نمی‌باشد. این مسؤولیت به عهده‌ی ماست که هرچه می‌توانیم، در جهت معرفی اهل‌بیت علیهم السلام و روشن کردن راه آنها و متشکل کردن پیروان آنها و هدایت بچه‌های شیعی به سمت اهداف اهل‌بیت تلاش کنیم.

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

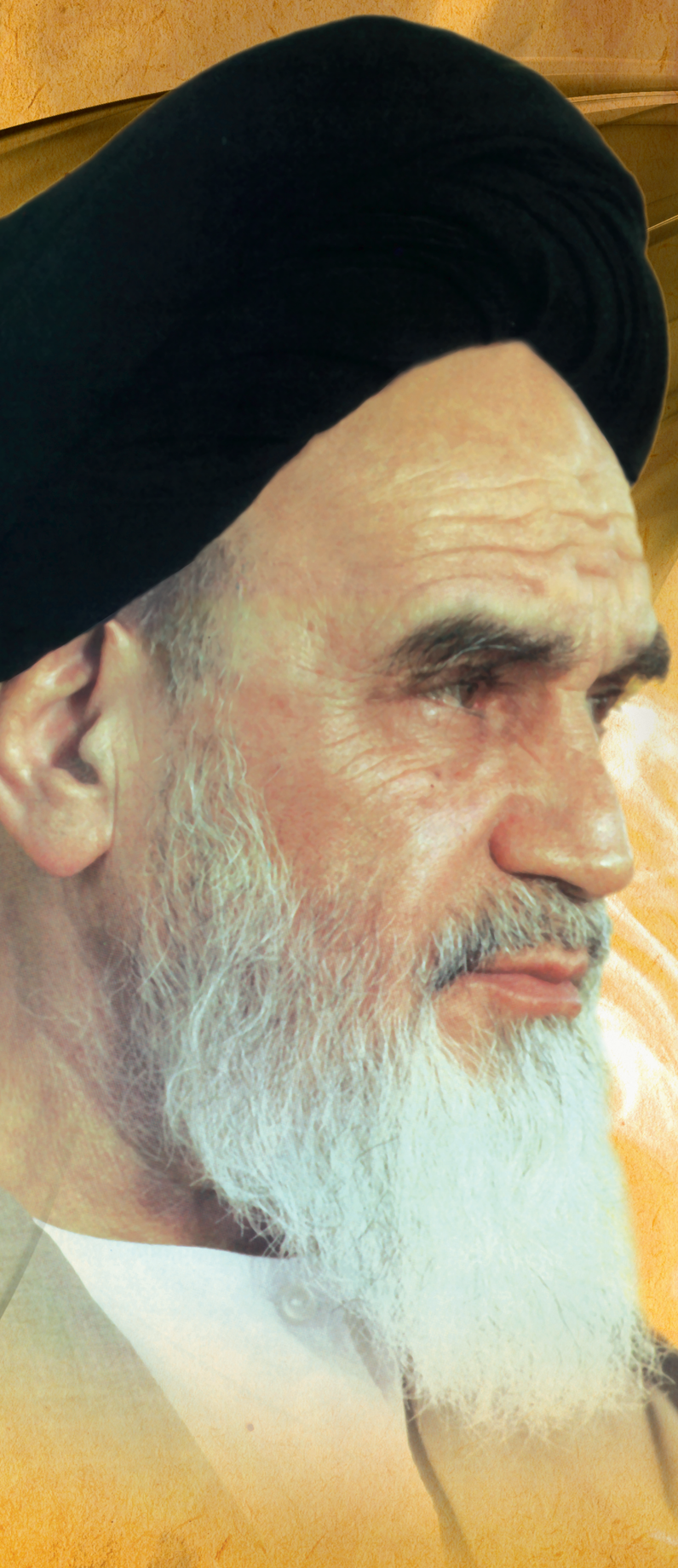

امام خمینی (قدس سره):

باید ماه محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهلبیت علیهم السلام که با ذکر مصائب اهلبیت علیهم-السلام زنده مانده است این مذهب تا حالا، با همان وضع سنتی، با همان وضع مرثیه‌خوانی... ما باید حافظ این سنت‌های اسلامی، حافظ این دسته‌جات مبارک اسلامی، که در روز عاشورا، در محرم و صفر، در مواقع مقتضی به راه می‌افتد تأکید کنیم که بیش‌تر دنبالش باشند. محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است.

صحیفه نور، ج۱۵، ص۲۰۳.

۱

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی



مقام معظم رهبری(دام ظله):

باید اعتراف کنیم که زندگی ائمه (علیهم‌السّلام) به درستی شناخته نشده و ارج و منزلت جهاد مرارت بار آنان حتی بر شیعیانشان پوشیده مانده است.

مهم‌ترین چیزی که در زندگی ائمه به‌طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته، عنصر "مبارزه حاد سیاسی" است. از آغاز نیمه دوم قرن اول هجری که خلافت اسلامی به‌طور آشکار با پیرایه‌های سلطنت آمیخته شد و امامت اسلامی به حکومت جابرانه پادشاهی بدل گشت، ائمه اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) مبارزه سیاسی خود را به شیوه‌ای متناسب با اوضاع و شرائط، شدت بخشیدند. این مبارزه بزرگ‌ترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه امامت بود.



۲

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

برخی اعداد و کلمات در آموزه های دینی، دارای پیامهای خاص و نوعی رمز و راز می‌باشند که عدد چهل (اربعین) یکی از این اعداد ویژه می باشد که انجام برخی اعمال با رمز چهل آثار خاص مادی و معنوی به همراه می آورد.



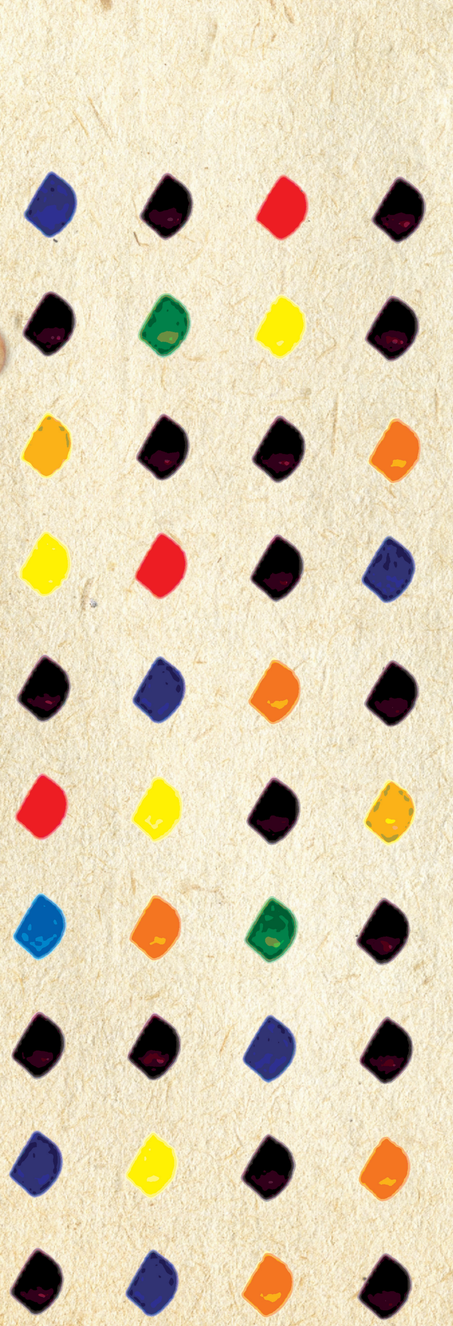

رازهای چهل

از کلماتی که در فرهنگ دینی جایگاه والایی دارد و به نوعی رمزآلود بوده و جزء اسرار به شمار می رود، عدد چهل یا همان اربعین است. مراجعه به منابع دینی بیانگر استفاده خاص آن در موارد ویژه و کاربردهای فراوان آن می باشد. میقات موسی علیه السلام با پروردگارش در طی چهل روز حاصل شده است[1]، مهلت ویژه الهی برای اصلاح تا چهل سالگی[2]، استجابت دعا با دعا برای چهل نفر[3]، خواندن دعای عهد در چهل صبح برای قرار گرفتن در زمره یاران امام زمان علیه السلام و... بخشی از این اسرار می باشد.

۱) (اعراف: ۱۴۲-)
۲) (مشکاة الانوار، ص ۲۹۵)
۳) (کافی، ج۲، ص۵۰۹)



۳

قال الامام الصادق علیه السّلام:
مَنْ قدَّمَ اربعینَ من المؤمنین ثمّ دعا استجیبَ له
امام صادق – علیه السّلام – فرمودند: کسی که در دعا (ابتدا) برای چهل نفر از مؤمنین دعا کند، سپس برای خودش، دعای او مستجاب خواهد شد.
بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۷

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آسمان، چهل روز بر امام حسین علیه السلام خون گریه کرد و زمین چهل روز برای عزای آن حضرت گریست. خورشید با کسوف و سرخی خود چهل روز گریست و فرشتگان الهی برای آن حضرت چهل روز گریستند.[1]

اربـــــعین گـــــریه

چهل روز پس از حادثه عاشورا و بعد از تمام گرفتاری ها و مشکلات، توهین ها و بی ایمانی های یزیدیان، بالاخره کاروان اسیران اهلبیت علیهم السلام اجازه باز گشت به مدینه را یافتند. کاروان از شام به سوی مدینه حرکت کرد. وقتی به دو راهی جاده عراق و مدینه رسید. اعضای کاروان از امیر کاروان خواستند تا آنان را به کربلا ببرد. امیر کاروان به سمت کربلا حرکت کرد. وقتی به کربلا رسیدند، جابر بن عبدالله انصاری را دیدند که با تنی چند از بنی هاشم و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله برای زیارت حسین(علیه السلام) آمده بودند. اسراء وقتی کنار قبر حسین علیه السلام رسیدند، به شدت گریه کردند و به صورت خود سیلی زدند و ناله های جانسوز سر دادند. به طوری که زنان روستاهای مجاور نیز به آنان پیوستند.[2]

حضرت زینب علیها السلام در میان جمع زنان آمد... و با صدایی حزین که دلها را جریحه دار می کرد، می گفت: وا اَخاهُ! واحُسَیْنَاهُ! وَاحَبیبَ رَسُول اللهِ وَ ابْنَ مَکةَ وَ مِنی! وَ ابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ! وَ ابْنَ عَلیٍّ الْمُرْتَضی! آه ثُمَّ آه!، سپس بیهوش گردید. آنگاه ام کلثومَ لطمَه به صورت زدَو با صدایی بلندَ گفت: امروز به روزیَ می ماند که جدِّم محمَّد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهراعلیهم السلام از دنیا رفتند.[3]

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۴.
۲ . الملهوف، سید بن طاووس، قم، انتشارات داوری، ص ۸۲؛ ر. ک: قصه کربلا، صص ۵۲۵ – ۵۲۷.
۳ . الدمعة الساکبة، محمد باقر بهبهانی، ج ۵، ص ۱۶۲ ؛ وقعة کربلا، صص ۵۲۴ – ۵۲۵.



امام سجّاد(علیه السلام) می‌فرمایند:
"هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین (علیه السلام) گریان شود به طوری که اشک بر گونه‌هایش سرازیر گردد، خداوند به سبب آن، او را در غرفه‌های بهشتی جای دهد که روزگاران درازی را در آن‌ها به سر برد".
بحارالانوار،ج۴۴،ص۲۸۹

۴

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

غیر از عشق و محبت، که پای زائر را پیاده به مرقد حسین(علیه‌السلام) می کشاند و رنج سفر و خوف و خطر را به جان می‌خرد، زیارت سیدالشهدا علیه السلام با پای پیاده، ثواب بسیار دارد و مورد تاکید پیشوایان دین و علمای اسلام می باشد.



زیارت پیاده

علی بن میمون صائغ، از حضرت امام صادق علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
ای علی! قبر حسین علیه السّلام را زیارت کن و ترک مکن.
عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کندچیست؟
حضرت فرمودند: کسی که پیاده زیارت کند آن حضرت را، خداوند به هر قدمی که برمی دارد، یک حسنه برایش نوشته، و یک گناه از او محو می فرماید، و یک درجه مرتبه‌اش را بالا می برد.
و وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد می باشد را ننویسند
و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولیّ خدا! گناهانت آمرزیده شد. و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش می باشی، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.
کامل الزیارات ص۱۳۴



اولین بار مرحوم میرزا احسین نوری استاد حاج شیخ عباس قمی(علیهما الرحمه) درعید قربان به پیاده روی از نجف تا کربلا اقدام ورزید. سه روز در راه بود و حدود ۳۰ تن از دوستان و اطرافیانش نیز با وی بودند. میرزا از آن پس تصمیم گرفت هر سال این کار را تکرار کند که هر سال نیز بر تعداد افرادی که با او همراه می شدند افزوده می شد.

۵

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

زیارت پیوند قلبی با زیارت شونده ای است که مورد تکریم و بزرگداشت خداوند است و روح و جان انسان با آن صیقل و جلا می یابد، به ویژه اگر زیارت امام حسین علیه السلام باشد.

حسین



سلام بر حسین عطشان

مشهور است که «جابر» اولین زائر امام حسین علیه السلام بود. امام صادق علیه السلام نیز ضمن تأکید ویژه بر لزوم زیارت پیوسته قبر امام حسین علیه السلام، به یکی از شیعیان که دوری و مشکلات را مانع این زیارت می دانست، فرمود: «بر پشت بام برو! به راست و چپ نگاه کن؛ سپس روی به آسمان کن؛ و بعد روی به سوی قبر حسین علیه السلام کن و بگو «السّلامُ عَلَیْکَ یَا أَبَاعَبْدالله، السّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ الله وَ بَرَکاتُهُ». با این کار، اجر زیارت قبر او برای تو مکتوب خواهد شد. و اجر هر زیارت، معادل یک حج و یک عمره است».

مفاتیح‌الجنان

آثار زیارت امام حسین علیه السلام

۱ـ مباهات خداوند به ملائکه؛ خداوند خطاب به فرشتگان مقرّب نموده و می فرماید: «آیا زائران حسین را نمی بینید که چگونه با شور و شوق به زیارت او می شتابند؟»

۲ـ «زائر امام حسین علیه السلام در فراز عرش، هم سخن آفریدگارش می شود»

۳ـ «زائر امام حسین علیه السلام در بهشت به همسایگی پیامبر و خاندانش مفتخر و مهمان آنان می گردد»

۴ـ «زائر امام حسین علیه السلام به مقام فرشتگان گرامی خدا ارتقاء می یابد»

۶

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

یکی از تعبیرات قرآن کریم درباره پیامبر اعظم صلّی‌الله‌علیه و آله، رحمت فراگیر و لطف و مهر جهانی پیامبر نسبت به تمامی مردم است. خداوند خطاب به آن حضرت می فرماید: «وَ مَا أَرْسَلْنَاکَ إِلَّا رَحْمَه لِلْعَالَمِینَ؛ ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (انبیا/۱۰۷)

مهـــر گسترده

بعثت و رسالت حضرت بر اساس محبت بود، زیرا حضرت می دانست که با اعلان دین جدید، مخالفت ها، کارشکنی ها و دشمنی ها از هر سو بر علیه ایشان سرازیر شده و مورد بی مهری قرار خواهد گرفت، اما با علم به این موضوع، به دستور الهی برای رسالت برگزیده شد و تمام تلاش خود را برای هدایت و نجات مردم جزیره العرب از گمراهی، به عنوان آغاز کار و در واقع نجات بشریت در مقیاس بزرگتر و با نگاهی به آینده بشریت، به کار بست، آن هم بر اساس یک اصل استوار و غیر قابل خدشه ی محبت و مهربانی که هر کسی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.



امام علی علیه السلام درباره فلسفه بعثت پیامبران می فرماید:
پس خداوند فرستادگانش را در میان آن ها برانگیخت و پیامبرانش را از پی یکدیگر به سوی آنان گسیل داشت تا ادای عهدی را که خداوند در فطرتشان با آن ها بسته بود، از آنان بخواهند و نعمت های فراموش شده او را به یادشان آرند و با ارائه دلایل بر آن ها اتمام حجت کنند و دفینه های (گنج های) خرد آنان را برایشان برانگیزند.
نهج البلاغه خطبه اول

۷

سوگ عظمی



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

گویی تمام جهانیان چونان فرزندان و پاره های جگر حضرتند که خود را موظف می داند آنان را از پرتگاه سقوط رها و به سوی نور و حیات جاودانِ رهنمایی نمایید، تا آنجا که خدای رحمان در بیان شدّت شفقت و مهربانی آن حضرت فرموده است: «لَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَفْسَکَ أَلَّا یَکُونُوا مُؤْمِنِینَ؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدّت اندوه از دست دهی، به‌خاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند. (شعرا/۳)



در جنگ احد وقتی که دندان پیامبر(صلی الله علیه و آله) را شکستند و صورتشان را مجروح کردند، اصحاب ازایشان خواستند تا نفرین کنند. ولی آن حضرت در برابر این خواسته، مقاومت کردند و فرمودند: "انی لم ابعث لاعنا ولکنی بعثت داعیاً و رحمةً "(من برای نفرین مبعوث نشده ام ، بلکه برای دعوت و محبت مبعوث شده ام.) آنگاه دست به دعا برداشته و از کوته نظری مردم به درگاه الهی عذرخواهی کرد و فرمود:(خدایا قوم مرا هدایت کن؛زیرا اینان نادانند و از سر جهل بر من ستم روا داشتند.)

آری پیغمبر اسلام(صلی الله علیه و آله) همانطور که برای مؤمنین رحمت و دلسوز بود، برای کفار هم دلسوز بود و متأثر می‌شد از اینکه این کفار به کفر خودشان باقی باشند و منتهی به آتش جهنم بشوند.

۸

سوگ عظمی

پدر دلسوز

پیامبر نهایت محبت و دلسوزی خود را برای نجات مردم به کار می بست و بر آن پای می فشرد و هر گونه سختی را به جان می‌خرید و از ایمان نیاوردن ایشان اندوهگین می‌شد. آن حضرت نه تنها برای مسلمانان دل می سوزاند، بلکه چه بسا برای کافران و دور ماندگان از حق و حقیقت بیشتر نگران بود و تمام تلاش خود را برایِ نجاتشان به کار می بست تا جایی که خداوند این مهر و محبت حضرت را چنین به تصویر می کشد: «فَلَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَفْسَکَ عَلَی آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ یُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِیثِ أَسَفًا؛ گویی می‌خواهی خود را از غم و اندوه به‌خاطر اعمال آنها هلاک کنی، اگر آنها به این گفتار ایمان نیاورند.[1]

۱. کهف/۶.



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

انسان با فرستادن صلوات از آثار مادی و معنوی آن مانند: بخشش گناهان، بر آورده شدن حاجات، اجابت دعا، مورد شفاعت قرار گرفتن، نورانیت قبر، یادآوری فراموش شده ها و مانند آن بهره مند خواهد شد.

هدیه الهی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
در شب معراج، وقتی به آسمان رسیدم، ملکی را دیدم که هزار دست داشت و در هر دستی هزار انگشت. آن ملک به کمک دستها و انگشتانش مشغول حساب کردن و شمارش بود؛ از جبرئیل که مرا همراهی می کرد پرسیدم: این ملک کیست؟ و چه چیز را حساب می کند؟
جبرئیل گفت: این ملک، موکل به دانه‌های باران است. او محاسبه می کند که چند قطره باران از آسمان به زمین نازل شده است. پس من به آن ملک گفتم: آیا می دانی که از آغاز آفرینش دنیا تا کنون، چند قطره باران به زمین نازل شده است؟
گفت: یا رسول الله قسم به آن خدایی که تو را به حق فرستاده، علاوه بر این که می دانم تا کنون چند قطره باران نازل شده، بلکه محل نزول آنها را نیز به تفکیک می دانم و از تعداد قطره های باران نازل شده بر بیابان، معمور، بستان، شوره‌زار و قبرستان هم اطلاع دقیق دارم. حضرت فرمودند من از این همه دقت در حفظ شمارش باران در تعجب شدم.
آنگاه ملک گفت: یارسول الله، با وجود این همه دقت و دست و انگشتان برای شمارش، هنوز در محاسبه یک چیز، ناتوان مانده‌ام. پرسیدم: کدام چیز؟ گفت: «قومی از امت شما که وقتی اسم مبارک شما را بشنوند صلوات می فرستند و من قدرت محاسبه ثواب آن صلوات را ندارم».

اللهم صل علی محمد و آل محمد



۹

سوگ عظمی

شخصی بسیار زاهد و عابد که گوشه گیر بود و در مجالس و محافل حاضر نمی شد، روزی در مجلس سخنرانی شرکت کرد و موجب تعجب همه شد. علت حضورش را پرسیدند، گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در خواب دیدم و به من فرمود: برو به مجلس سخنرانی فلان واعظ که زیاد بر من صلوات می فرستد و من از او خشنودم

شرح فضایل صلوات ص۹۲

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

پیامبر خاتم در تمام زمینه ها الگویی راستین برای مؤمنان و حق مداران بود و لحظه لحظه رفتار و گفتار حضرت، درسهای عملی فراوانی به پیروان خود می آموخت. عبادت و دعا، زندگی ساده، خوشبو و خوش زبان، خوشرو و متبسم، منظم و متواضع، اهل کار و تلاش و...



درس های نبوی

عاشق نماز بود. روزی به ابوذر غفاری فرمود: ای اباذر! خداوند متعال، نماز را محبوب دل من ساخته است، همان گونه که غذا را محبوب دل گرسنگان و آب را مطلوب تشنگان قرار داده است؛ با این تفاوت که گرسنه و تشنه از غذا و آب سیر می شوند، اما من هرگز از نماز سیر نمی شوم.۱

با صدای زیبا قرآن می‌خواند: کانَ اَحْسَنَ النّاسِ صَوْتاً بِالْقُرْآنِ؛ از همه ی مردم، زیباتر و خوش آهنگ تر قرآن می‌خواند.۲ و می فرمود: هر کس در شب، ده آیه از قرآن را تلاوت کند، او را از غافلان ننویسند و هر کس پنجاه آیه تلاوت کند، او را از ذاکران نویسند و هر کس صد آیه تلاوت کند، او را از مطیعان و داعیان ثبت کنند.۳ به همین جهت است که خداوند پیامبر را الگویی شایسته معرفی می نماید: لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ رسول الله الگو و سرمشق پسندیده ای برای شما است.۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۴ و ۳۰۶ از ابواب صوم مندوب.
۲. سنن النبی، ص۳۱۱.
۳. قاموس قرآن، ج۱، ص۳.
۴. احزاب: ۲۱.



حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله هرگز با احدی دست نداد که دست خود را از دست او جدا کند، تا اینکه طرف دست خود را جدا می ساخت و احدی کاری به او نمی سپرد که آن را رها کند، تا زمانی که طرف از حاجت خود صرف نظر می‌کرد. و با احدی به گفتگو نپرداخت که سکوت کند، تا وقتی که طرف ساکت می شد، و بالاخره هرگز دیده نشد که آن حضرت پا مبارک را در برابر همنشینی دراز نماید.

۱۰

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

برتری انسان بر فرشتگان روشن است، به ویژه اگر انسان کاملی چون خاتم پیامبران باشد که ارزش و مقام او تا بدانجاست که حتی جناب عزرائیل نیز برای قبض روح حضرت اجازه ورود می طلبد.

پیک مرگ

در آن لحظات که پیامبر شدیداً بیمار بود، دقایقی آن حضرت بیهوش شد، در آن هنگام در خانه کوبیده شد، فاطمه (سلام الله علیها) به پشت در رفته و فرمود: کیستی؟ از پشت در صدا آمد که من شخص غریبی هستم و با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) کاری دارم، آیا اجازه هست که به حضورش برسم؟ فاطمه(سلام الله علیها) فرمود: خدا تو را بیامرزد، هم اکنون پیامبر(صلی الله علیه و آله) بیمار است و حال ملاقات با کسی را ندارد. آن شخص رفته و پس از لحظاتی دوباره آمد و اجازه ورود خواست و گفت: آیا به افراد غریب اجازه می دهید به حضور پیامبر بروند؟! در این موقع پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله)صدای وی را شنیده و به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: فاطمه جان! آیا می دانی که او کیست؟ او پیک مرگ، عزرائیل است. به خدا قسم قبل از من از کسی اجازه نخواسته و پس از من هم از احدی اجازه نخواهد گرفت و این بخاطر مقام ارجمندی است که خداوند به پدر تو عنایت کرده است. فاطمه علیهاالسلام به عزرائیل اجازه ورود داد و او همچون نسیم ملایمی وارد خانه پیامبر(صلی الله علیه و آله) شده و گفت: السلام علی اهل بیت رسول الله(صلی الله علیه و آله)، و لحظاتی بعد...

الانوار البهیه، شیخ عباس قمی، ص ۳۹





امام کاظم(علیه السلام) نقل می کند که از پدرم پرسیدم: وقتی فرشتگان پیامبر(صلی الله علیه و آله) را ترک گفتند چه اتفاقی افتاد؟ فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فاطمه(سلام الله علیها) و علی(علیه السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) را به گرد خود خواند و به کسانی که در خانه بودند گفت: «از نزد من بیرون بروید». آن گاه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به علی(علیه السلام) گفت: «یا علی نزدیک من بیا.» علی(علیه السلام) پیشتر رفت، پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) دست زهرا(سلام الله علیها) را گرفت و بر سینه گذاشت بعد با دست دیگر خود دست علی را گرفت و چون خواست با آنها سخنی بگوید، اشک از چشمانش فرو غلتید و نتوانست کلامی بگوید.... رسول خدا(صلی الله علیه و آله) سربلند کرد و دست فاطمه(سلام الله علیها) را در دست علی(علیه السلام) نهاد و گفت: «ای اباالحسن! این امانت خدا و امانت محمد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در دست توست و در مورد فاطمه(سلام الله علیها) خدا را و مرا به یاد داشته باش! و به راستی که تو چنین رفتار می کنی.

ای علی هر چه فاطمه به تو فرمان داد به جای آور که هر آینه من به فاطمه(سلام الله علیها) اموری را بیان داشته ام که جبرئیل من را به آنها امر کرد. بدان ای علی که من از آن کس راضیم که دخترم فاطمه(سلام الله علیها) از او رضا باشد و پروردگار و فرشتگان هم با رضایت او راضی خواهند شد. وای بر آن کس که بر فاطمه(سلام الله علیها) ستم کند وای بر آن کس که حق وی را از او بستاند. وای بر آن کس که هتک حرمت او کند...

۱۱

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

هر گاه فتنه های زمانه، تبلیغات رنگارنگ و فریب و خدعه دشمنان، معرفت و شناخت مردم نسبت به امام و رهبر خود را کمرنگ و باورها را تضعیف نماید، غربت و مظلومیت به اوج خود خواهد رسید و جام زهر به امام نوشانده خواهد شد.



غریب؛ حسن(علیه السلام)

بنا بر فرمان الهی، امامت و رهبری پس از پیامبر(صلی الله علیه و آله) بر عهده امیر مؤمنان(علیه السلام) و یازده امام برگزیده قرار گرفت. با شهادت امیرالمومنین(علیه السلام) مردم با امام مجتبی(علیه السلام) بیعت کردند، البته بیعتی احساسی که به دلیل جریحه دار شدن احساساتشان در شهادت امیرمؤمنان(علیه السلام) بود. لذا مدتی نه چندان طولانی نگذشته بود که با تطمیع و تهدید معاویه، همین مردم در ماجرای جنگ با معاویه، پشت امام مجتبی (علیه السلام) را خالی کردند و همین باعث شد تا معاویه به خود جرأت دهد تا برای نابودی حکومت امام به کوفه لشکر کشی کند.



۱۲

سوگ عظمی

قال الامام المجتبی(علیه السلام)
«بَینَ الْحَقِّ وَ الْباطِلِ أَرْبَعُ أَصابِعَ، ما رَأَیتَ بِعَینَیکَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ قَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنَیکَ باطِلاً کَثیرًا»
بین حقّ و باطل به اندازه چهار انگشت فاصله است، آنچه با چشمت بینی حقّ است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی.
تحف العقول، ص۲۲۷

مظلومیت امام مجتبی علیه السلام **هنوز هم در بین شیعیان ایشان جریان دارد و برخی هنوز فکر می کنند که امام حسین** علیه السلام
مرد جنگ و جهاد و دلاوری بود، ولی امام حسن علیه السلام **مرد سازش و محافظه کاری و گوشه نشینی!**

تداوم مظلومیت

برخی دشمنان اهلبیت(علیهم السلام) برای ترور شخصیت امام مجتبی علیه السلام سعی کرده اند از ایشان چهره ای عافیت طلب بسازند که برای حفظ خود حاضر به جنگ نبود. این خود بزرگترین مظلومیت است که یک رهبر برگزیده الهی، به خاطر مصالح بزرگی مانند حفظ جان شیعیان و تداوم امامت و ولایت الهی، مجبور به رفتارها، واکنش ها و قبول چیزهایی شود که مردم کوتاه فکر آن زمان توان تشخیص لازم را ندارند و از این رو به امامشان خرده بگیرند، بر او حمله ور شده، او را زخمی نموده، زبان به بی ادبی بگشایند. لذا گفته اند: «مظلومیت روز ساباط امام حسن علیه السلام (ساباط یکی از محلات شهر مدائن بود که در آنجا امام مجتبی علیه السلام مجبور شد صلح را بپذیرد) از مظلومیت روز عاشورای امام حسین علیه السلام بیشتر است».

نک: صلح امام حسن علیه السلام، شیخ راضی آل یاسین



قالَ الْحَسَن (علیه السلام) لِبَعْضِ وُلْدِهِ: یا بُنَیَّ لا تُواخِ أَحَداً حَتّی تَعْرِفَ مَوارِدَهُ وَ مَصادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخِبْرَةَ وَ رَضِیتَ الْعِشْرَةَ فَآخِهِ عَلی إِقالَةِ الْعَثْرَةِ وَ الْمُواساةِ فِی الْعُسْرَةِ.

امام حسن (علیه السلام) به یکی از فرزندانش فرمود: ای پسرم! با احدی برادری مکن تا بدانی کجاها می رود و کجاها می آید، و چون از حالش خوب آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط این که معاشرت، بر اساس چشم پوشی از لغزش و همراهی در سختی باشد

تحف العقول، ص ۲۳۶

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

علامه طباطبایی: مظلومیت امام حسن علیه السلام به این نیست که قبرش چراغ و گنبد و بارگاه ندارد. ما تا اسم مظلومیت امام مجتبی علیه السلام را می آوریم، مسأله قبر و زائر و چراغ و فرش و گنبد را مطرح می کنیم. مظلومیت امام مجتبی علیه السلام به این است که آن حضرت بین ما شیعیان هم یک چهره متهم است.





از امام حسن علیه السلام پرسیده شد که جوانمردی یعنی چه؟ فرمودند: جوانمردی عبارت است از حراست دین، و عزت نفس، و با نرمش برخورد کردن و بررسی عملکرد خویش، و پرداخت حقوق و دوستی کردن با مردم.

۱۴

سوگ عظمی

نرمش قهرمانانه

امامت ائمه علیهم السلام تحت تأثیر شرایط خاص، بروزهای به‌خصوص دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر حسب آنچه در خطبه شقشقیه فرمودند، صبر کردن را بهترین کار در آن زمان دانستند. هنگامی هم که امام حسن علیه السلام آتش‌بس با معاویه اعلام می کند، همان آتش‌بس را امام حسین علیه السلام هم امضا کرد و حدود ۱۰ سال از ۱۱ سالی که امامت کردند را در زمان حکومت معاویه گذراندند. بنابراین اگر از امام حسین علیه السلام در ذهن ما یک چهره انقلابی تداعی شود و از امام مجتبی علیه السلام یک چهره سازش گر، ما نه امام حسن علیه السلام را شناخته‌ایم و نه امام حسین علیه السلام را؛ لذا پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «صلح حسنم برای اسلام، از آنچه آفتاب بر او می‌تابد، نافع‌تر است.»

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

پیامبر(صلی الله علیه و آله) درباره امام حسن(علیه السلام) فرمودند: من حسن را دوست دارم، خدایا تو نیز او را و هر کسی که او را دوست دارد، دوست بدار. (بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۷۴)

امام حسن مجتبی علیه السلام

در آن زمان به دلیل عقاید خرافی جاهلی، ابراز محبت بسیار کمرنگ شده بود؛ تا حدی که پدرها دخترانشان را زنده به گور می کردند و پسرانشان را هرگز نمی بوسیدند

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم روزی حسن و حسین را می بوسید. اقرع بن حابس گفت: «یا رسول الله، من ده فرزند دارم و هرگز هیچ کدام شان را نبوسیده ام»

پیامبر به شدت ناراحت شد و فرمود: «کسی که به فرزندانش رحم و محبت نکند، مورد رحمت خدا قرار نمی گیرد. به دلیل رفتار نادرستت خدا عاطفه را از تو گرفته است»

من حسن(علیه السلام) را دوست دارم

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم گاهی با امام حسن علیه السلام بازی می کرد، گاهی او را بر دوش خود سوار می کرد و درمدینه راه می‌رفت. روزی در کوچه او را دید و دستهایش را باز کرد که او را بغل کند؛ امام حسن علیه السلام می دوید و رسول خدا به دنبالش. گاهی امام حسن علیه السلام را روی پا می نشاند و دست نوازش بر سرش می کشید.

۱۵
سوگ عظمی
سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی



حب اهل بیت علیهم السلام می بایست در کنار دیگر عبادات قرار گیرد و رابطه ای متوازن میان محبت، عبادت و اطاعت برقرار شود.



قال الرضا علیه السلام:
من زارنی و هو یعرف ما اوجب الله تعالی من حقی و طاعتی فانا و آبائی شفعائه یوم القیامة و من کنا شفعائه نجی»

هر که مرا زیارت کند در حالی که حق و طاعت مرا که خدا بر او واجب کرده بشناسد، من و پدرانم در روز قیامت شفیع او هستیم و هر که ما شفیع وی باشیم نجات یابد.

وسائل، ج ۵، ص ۴۳۶

۱۶

سوگ عظمی

شور و شعور

اگرچه دوستی و رابطه با اهل بیت(علیهم السلام) به فرموده پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله)، «گناهان را می پوشاند و حسنات را دو چندان می سازد» اما باید توجه داشت که محبتی کارساز و گره گشا خواهد بود که با عمل قرین شده و در راستای انجام دستورهای الهی و گام نهادن در مسیر پیشوایان دین و صراط مستقیم اهل بیت(علیه السلام) قرار داشته باشد. لذا امام رضا علیه السلام فرمود: «نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به اتکای محبت اهل بیت رها کنید و نه محبت و دوستی اهل بیت و تسلیم آنان بودن را با تکیه بر عبادت؛ زیرا هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نمی شود.»

فقه الرضا، ص ۳۳۸

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

امام رضا علیه السلام با اذن خداوند اعمال ما را می بینند و بر زندگی ما نظارت دارد و از اسرار نهانی ما باخبر است و کسی که خالصانه به آن حضرت متوسل شود، نظر لطف ایشان شامل او خواهد شد.

معادن کرامت

علی بن محمّد کاشانی می گوید:
یکی از شیعیان می گوید : مال زیادی خدمت امام رضا علیه السلام بردم لیکن ندیدم که از وصول آن مال خوشحال شده باشد. از این رو غمگین شدم ، با خود گفتم: این قدر مال برای آن حضرت بردم ، خوشحال نشد. فرمود: غلام ! طشت و آب بیاور! و خود روی مسندی نشست و با دست به غلام اشاره کرد: آب روی دستم بریز، دیدم از میان انگشتانش طلا داخل طشت می ریزد. سپس به من نگاهی کرد و گفت : کسی که چنین است اعتنا به مالی که نزد او آورده اند ندارد.

کشف الغمه ص ۲۷۰.



۱۷

یَا ابْنَ شَبِیبٍ إِنْ سَرَّکَ أَنْ تَکُونَ مَعَنَا فِی الدَّرَجَاتِ الْعُلَی مِنَ الْجِنَانِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَ افْرَحْ لِفَرَحِنَا وَ عَلَیْکَ بِوَلَایَتِنَا؛ ای پسر شبیب اگر دوستداری با ما در درجات عالی بهشت همراه باشی در اندوه ما اندوهگین و در خوشحالی ما خوشحال باش و بر تو باد به ولایت ما.

عیون أخبار الرضا ج۱، باب ۲۸، ح۵۲

سوگ عظمی

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی



ائمه اطهار علیهم السلام چون حجتهای الهی بر بندگان هستند، برای اثبات حقانیت خویش و نیز تقویت قلوب مؤمنین و برای آرامش دلهای مشتاق، از خود معجزه و کرامت نشان می دهند.

کرامات کریمان

از منظر باورهای شیعی، اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام حیات و ممات ندارند و ما آنان را بعد از شهادت نیز قادر بر اعمال خارق العاده می دانیم. به همین جهت، برای حل معضلات، مشکلات و عرض ارادت به محضر آن گرامیان، متوسل شده و حاجات خود را طلب کرده، در صورت صلاح دید خداوند و آن بزرگواران، به مقصود خود نائل می شویم. علاوه بر بحث کرامت و معجزه، امامان معصوم علیهم السلام مظهر رحمت و رأفت و مهرورزی بوده و همواره موجبات روشنایی چشم و دلگرمی مردم و به ویژه مؤمنین را فراهم می کردند.

السلام علیک یا علی بن موسی الرضا

۱۸

سوگ عظمی

علامه‌طباطبائی (رحمه الله علیه) می فرمودند: همه ی امامان علیهم السلام لطف دارند، اما لطف حضرت رضا علیه السلام محسوس است. و نیز می فرمودند: انسان هنگامی که وارد حرم رضوی علیه السلام می شود، مشاهده می کند که از در و دیوار حرم آن امام رأفت می بارد. ایشان هر ساله به مشهد مشرف می شد حتی در پنج، شش ماه آخر عمر با همه ی کسالتی که داشت به مشهد مشرف شد.

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی



پاره ی تن من در خراسان دفن خواهد شد، هیچ گرفتار و گنه کاری اورا زیارت نکند جز این که خداوند گرفتاری او را برطرف سازد و گناهانش را ببخشاید.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵۷

ثواب زیارت در بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

پیامبرِ (صلی الله علیه و آله) فرمود: مَن أَحَبَّ أَن یَلقَی اللهَ ضاحکاً مُستَبشراً فلیَتَوَلَّ عَلیَّ ابنَ مُوسَی الرِّضَا: کسی که دوست دارد خندان و با روی گشاده خداوند را دیدار کند، باید از محبت و ولایت علی بن موسی الرضا علیه السلام بهره‌مند شود.

بحار الأنوار، ج۳۶، ص۲۹۶

امام رضا علیه السلام نیز فرمود: کسی که با دوری راه مزارم را زیارت کند، روز قیامت در سه جا [برای دستگیری] نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقفها رهایی خواهم بخشید: هنگامی که نامه ها [ی اعمال] به راست و چپ پراکنده شود، نزد صراط و نزد میزان [هنگام سنجش اعمال].

وسائل، ج ۱۰، ص ۴۳۳



۱۹

سوگ عظمی

شاه‌عبدالعظیم حسنی فرمود: به حضرت جواد علیه السلام عرض کردم که به زیارت قبر حضرت سیدالشهدا علیه السلام مشرف شوم یا به زیارت پدرتان.
فرمود: اندکی درنگ کن؛ سپس داخل اندرون شد بعد - در حالی که اشکهایش بر رخسارش جاری بود - خارج شد و ... سپس فرمود: زائران امام حسین علیه السلام بسیارند؛ اما زائران پدرم کم هستند.
در روایت دیگر فرمود: زیارت پدرم افضل است زیرا حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را همه مردم زیارت می کنند؛ اما پدرم را، جز خواص شیعه زیارت نمی کنند.

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی